



سالانم بازی کنم اما پشیمان هم نیستم. در خصوص کارهای خیرخواهانه هم خیلی مایل به نشان دادنش نیستم و شهرپانو بیشترین کار را می کند اما اگر بتوانیم دستی را بگیریم حتماً این کار را می کنیم چون یاد گذشته می افتم که نیاز داشتیم کسی دستان را بگیرد. مردم گاهی خودشان نیازمندان را به ما معرفی می کنند و ما هم پیشقدم می شویم. من معتقدم که خیر و برکت کارهای خیر چند برابرش به زندگی مان برمی گردد.

اتفاقی که بعد از خداحافظی از تیم ملی پیش بینی می شد افتاد و سرمربی تیم ملی شدیداً از قبول این مسئولیت ترسیدید؟

اگر مربی ای داشتیم که می توانست در این مقطع به ملی پوشان کمک کند، قطعاً این مسئولیت را قبول نمی کردم. با احترام به مربیان قبلی، باید بگویم که علم یک مربی باید به روز باشد. حتی اگر روزی علم مربیگری الهه منصوریان تمام شد باید کنار برود و کس دیگری بیاید. الان زمانی است که ما حتی نیازی به مربیان چینی هم نداریم و خودمان از پس کار برمی آییم. تیم ملی من را الهه منصوریان کرد و نسبت به آن دین دارم. حس کردم الان باید به تیم ملی خدمت کنم و به همین خاطر هم این مسئولیت را پذیرفتم.

چه آرزویی در سال جدید برای مردم ایران دارید؟
سال ۱۴۰۳ سال جدیدی است و باید زندگی جدیدی شروع کرد و همه چیز را از سر گرفت. باید تلاش کنیم شاد زندگی کنیم چون این روزها دیگر برنمی گردد. هیچ وقت ۱۴۰۲ برنمی گردد، پس سال جدید را جوری زندگی کنیم که حسرتش برایمان باقی نماند.

یک جورهایی مادرم فنی هم شده بود و نتیجه بازی با ژاپن را درست پیش بینی کرد. بعد از بازی هم که سردار پیراهنش را به مادرم یادگاری داد. سال ۲۰۱۷ که برای مسابقات جهانی به کازان رفته بودم، با سردار تماس گرفتم و او برای تشویق ما به سالن آمد. حالا وقتش بود که من دینم را به آزمون ادا کنم و برای تشویقش به استاد یوم بروم.

بازی با قطر هم در استادیوم بودید؟

من فکر می کردم قهرمانییم و بعد از بازی با ژاپن به ایران برگشتیم. فکر می کنم بچه ها قطر را دست کم گرفتند و هنوز در فکر برد ژاپن بودند.

در فوتبال داخلی و خارجی طرفدار چه تیم هایی هستید؟

در فوتبال باشگاهی ایران طرفدار سپاهان و در فوتبال خارجی هم طرفدار بارسلونا هستم.

بارسا هم که این روزها شرایط خوبی ندارد، بازی هایش را دنبال می کنید؟

بله بازی هایش را دنبال می کنم. ژاوی را دوست دارم اما فکر می کنم رفتن او به بارسا کمک خواهد کرد.

شما کودکی سختی داشتید، حالا که شرایط زندگی تان از این رو به آن رو شده است، تمایل به کارهای عام المنفعه دارید؟

من کودکی سختی داشتم. از کار در مزرعه تا کارگری انجام می دادم، اما هیچ کس هم به اندازه من در طبیعت نبوده و تفریح نکرده است. زمانی که کار می کردم همانجا زیر درخت غذا می خوردم و در دل طبیعت بازی می کردم. شاید کودکی ام با عروسک نگذشت و خیلی اوقات حسرت یک اسباب بازی را داشتم اما در طبیعت لذت بردم. اگر به قبل برگردم شاید بیشتر کودکی کنم و با هم سن و

جمعه ها نمی گذارم مادرم غذا درست کند، ناهار و شام را خودم درست می کنم و اتفاقاً خیلی وقت ها غذاهای چینی و ایرانی را ترکیب کرده که نتیجه اش غذایی من درآوردی می شود.

دست پختن چطور است؟

دوستان، فامیل و مادرم که می گویند خوب است؛ فقط یک مقدار دستم رو به تندی می رود (با خنده).

به ازدواج هم فکر می کنید؟

ازدواج شرایط می خواهد. باید تمام ابعاد زندگی آماده باشد تا بتوانی آن را با کسی تقسیم کنی. من مادر شدن را خیلی دوست دارم اما لازمه اش ازدواج است. هنوز آن آمادگی و بلوغ کامل فکری برای مدیریت یک زندگی را ندارم. حالا که ورزش حرفه ای را کنار گذاشتم و سرمربی تیم ملی شدم تمام فکر و ذکرم موفقیت شاگردانم است و به همین خاطر تمرکز زندگی مشترک را ندارم.

اگر روزی بخواهم ازدواج کنم احتمالاً باید از ورزش فاصله زیادی بگیرم که این مسأله برای من خیلی سخت است. پس فکر می کنم حالا حالاها مجرد بمانم.

فعلاً شرایطش نیست و باید از ورزش حرفه ای فاصله بگیرم. با مادر تان رابطه خیلی خوبی دارید و دیدم که با ایشان برای تماشای بازی های تیم ملی در جام ملت های آسیا به قطر رفتید.

نه تنها من بلکه همه خواهرانم مادر را خیلی دوست داریم. بعد از خداحافظی از تیم ملی فرصتی پیش آمد که برای مادرم وقت بگذارم و به قطر برویم. مادرم در ایران شاهد مسابقات ما بود اما تجربه تماشای زنده فوتبال را نداشت. وقتی فوتبال را از نزدیک دید، می گفت این رشته از ووشو بهتر است، شما همدیگر را می زنید ولی اینها نمی زنند.

